

Conflict of Interest in the Jurisprudence of the International Court of Justice with Emphasis on the Case Congo v. Belgium

Abstract

This article examines the challenge of conflicts of interest, with a specific focus on the Congo v. Belgium case. Initially, it elucidates the concept of conflict of interest and its significance in preserving the impartiality and credibility of international judicial institutions. Subsequently, through a case study regarding the potential conflict of interest for Judge Christian Tomuska due to his dual citizenship, the challenges associated with identifying and managing such conflicts are discussed. Furthermore, various approaches to managing conflicts of interest—including disclosure of interests, voluntary recusal, precautionary measures, and removal—are analyzed. The article concludes by offering recommendations for improving conflict-of-interest management procedures within international justice systems. The study further evaluates the advantages and disadvantages of different conflict-of-interest management approaches. It also discusses the role of legal standards and procedural rules in addressing this issue, as well as the challenges inherent in adopting uniform standards. The Congo v. Belgium* case at the International Court of Justice is analyzed as a prominent example illustrating the impact of conflicts of interest on the credibility and impartiality of international judicial processes. This case demonstrated how conflicts of interest can undermine public trust in international judicial institutions. Finally, the article emphasizes the need for further research and international cooperation regarding conflicts of interest. Areas requiring additional research include comparative studies, an examination of the impact of conflicts of interest on public confidence, an assessment of the effectiveness of existing mechanisms, and an exploration of the role of technology in managing these issues. Moreover, the importance of international collaboration through working groups, conferences, and joint research projects is highlighted. The ultimate goal of these efforts is not only to prevent conflicts of interest but also to restore and strengthen public trust in international judicial institutions, thereby reinforcing the rule of law globally.

Keywords: Conflict of Interest; International Criminal Justice; International Judicial Institutions; Judicial Impartiality; Legal Standards; Disclosure of Interests; Voluntary Recusal; Precautionary Measures

تعارض منافع در رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری با تاکید بر پرونده (کنگو علیه بلژیک)

هیبت ا... نژندی منش^۱ - مهدی داودی گرمارودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

چکیده

این مقاله به بررسی چالش تعارض منافع با تمرکز بر پرونده (کنگو علیه بلژیک) می‌پردازد. که در ابتدا مفهوم تعارض منافع و اهمیت آن در حفظ بی‌طرفی و اعتبار نهادهای قضایی بین‌المللی تشریح می‌گردد. سپس با بررسی موردی احتمال تعارض منافع قاضی کریستین توماسکی به دلیل تابعیت دوگانه‌اش، چالش‌های شناسایی و مدیریت تعارض منافع مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه، رویکردهای مختلف برای مدیریت تعارض منافع از جمله افشای منافع، انصراف داوطلبانه،

^۱دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

^۲دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

اقدامات احتیاطی و برکناری بررسی می‌شوند. مقاله با ارائه پیشنهادهایی برای بهبود رویه‌های مدیریت تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی به پایان می‌رسد. این در ادامه به بررسی مزایا و معایب رویکردهای مختلف مدیریت تعارض منافع می‌پردازد. سپس نقش استانداردها و رویه‌های حقوقی در مدیریت این مسئله و چالش‌های پیش رو در اتخاذ استانداردهای واحد را مورد بحث قرار می‌دهد. پرونده "کنگو علیه بلژیک" در دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یک نمونه برجسته از تأثیرات تعارض منافع بر اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی بین‌المللی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این پرونده نشان داد که چگونه تعارض منافع می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای قضایی بین‌المللی را تضعیف کند. در پایان، مقاله بر نیاز به تحقیقات بیشتر و همکاری بین‌المللی در زمینه تعارض منافع تأکید می‌کند. حوزه‌های نیازمند پژوهش بیشتر شامل مطالعات تطبیقی، بررسی تأثیر تعارض منافع بر اعتماد عمومی، ارزیابی اثربخشی مکانیسم‌های موجود و بررسی نقش فناوری در مدیریت این مسئله است. همچنین بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی از طریق کارگروه‌ها، کنفرانس‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک تأکید می‌شود. هدف نهایی این تلاش‌ها، نه تنها پیشگیری از موارد تعارض منافع، بلکه بازگرداندن و تقویت اعتماد عمومی به نهادهای قضایی بین‌المللی و در نتیجه تقویت حاکمیت قانون در سطح جهانی است.

واژگان کلیدی : تعارض منافع دادرسی کیفری بین‌المللی - نهادهای قضایی بین‌المللی - بی‌طرفی قضایی - استانداردهای حقوقی - افشای منافع - انصراف داوطلبانه - اقدامات احتیاطی

۱ - مقدمه

تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی یکی از چالش‌های مهم و پیچیده در حوزه حقوق بین‌الملل است که می‌تواند اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار دهد. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که یک قاضی یا کارشناس دخیل در پرونده، منافع شخصی، مالی یا سایر منافی داشته باشد که ممکن است بر قضاوت و تصمیم‌گیری وی تأثیر بگذارد. پرونده شکایت جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک در سال ۲۰۰۰ در دیوان بین‌المللی دادگستری، نمونه برجسته‌ای از این چالش است که در آن، تابعیت دوگانه یکی از قضات مطرح شد. این پژوهش با هدف بررسی عمیق موضوع تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی، به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است: "چگونه می‌توان تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی را به گونه‌ای شناسایی، ارزیابی و مدیریت کرد که اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی حفظ شود، بدون اینکه محدودیت‌های غیرضروری بر انتخاب قضات و کارشناسان مناسب اعمال گردد؟" فرضیه اصلی این است که با تدوین چارچوب و استانداردهای واضح و روشن برای شناسایی، ارزیابی و مدیریت تعارض منافع، می‌توان اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی را حفظ کرد و در عین حال، انعطاف‌پذیری لازم را برای انتخاب قضات و کارشناسان واجد شرایط فراهم آورد. این مطالعه با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. در بخش توصیفی، پرونده شکایت کنگو علیه بلژیک به طور کامل بررسی می‌شود. در بخش تحلیلی، مفهوم تعارض منافع، چالش‌های مرتبط با آن و تأثیرات آن بر اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی با استفاده از ادبیات نظری و پیشینه تحقیق مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این پژوهش با بررسی منابع معتبر در زمینه حقوق بین‌الملل و دادگستری بین‌المللی، به دنبال ارائه درکی جامع از موضوع و پیشنهاد راهکارهایی برای مدیریت بهتر تعارض منافع در این حوزه است. اهمیت این پژوهش در آن است که می‌تواند به ارتقای اعتبار و کارآمدی نهادهای قضایی بین‌المللی کمک کند و چارچوبی برای مواجهه با چالش‌های مشابه در آینده فراهم آورد. نتایج این مطالعه می‌تواند برای سیاست‌گذاران، حقوقدانان و پژوهشگران حوزه حقوق بین‌الملل مفید باشد و به بهبود رویه‌های موجود در زمینه مدیریت تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی کمک کند.

۲- گوشه‌هایی از رویه‌های دیوان دادگستری بین‌المللی

دیوان دادگستری بین‌المللی^۱ به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد، نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل و حل اختلافات بین کشورها ایفا می‌کند. یکی از موضوعات مهم در رویه این دیوان، مسئله تعارض منافع است که می‌تواند بر بی‌طرفی و استقلال قضات تأثیر بگذارد. در اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، ماده ۱۶(۱) به صراحت بیان می‌کند که اعضای دیوان نمی‌توانند هیچ فعالیت سیاسی یا اداری را انجام دهند یا به طور حرفه‌ای به هر شغل دیگری اشتغال داشته باشند. این ماده به منظور جلوگیری از تعارض منافع و حفظ استقلال قضات طراحی شده است. علاوه بر این، ماده ۱۷(۲) اساسنامه تصریح می‌کند که هیچ عضوی از دیوان نمی‌تواند به عنوان نماینده، مشاور یا وکیل در هیچ پرونده‌ای شرکت کند. این محدودیت نیز برای جلوگیری از تعارض منافع احتمالی وضع شده است. در رابطه با موارد خاص تعارض منافع، اساسنامه دیوان در ماده ۲۴ مقرر می‌دارد که اگر به هر دلیلی، یک عضو دیوان معتقد باشد که نباید در رسیدگی به یک پرونده خاص شرکت کند، باید رئیس دیوان را از این موضوع مطلع سازد. همچنین، اگر رئیس دیوان معتقد باشد که یکی از اعضا نباید به دلایل خاصی در رسیدگی به یک پرونده شرکت کند، باید آن عضو را از این موضوع آگاه سازد. در صورت بروز اختلاف نظر بین رئیس دیوان و عضو مورد نظر در خصوص کناره‌گیری از رسیدگی به یک پرونده، دیوان باید در این مورد تصمیم‌گیری کند.^۲ این مکانیسم اطمینان حاصل می‌کند که موارد احتمالی تعارض منافع به طور مناسب مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.^۳ علاوه بر مقررات اساسنامه، آیین دادرسی دیوان نیز در ماده ۳۴ به موضوع تعارض منافع می‌پردازد. این ماده تأکید می‌کند که هر قاضی که قبلاً به عنوان نماینده، مشاور یا وکیل یکی از طرفین، یا به عنوان عضو یک دادگاه ملی یا بین‌المللی یا کمیسیون تحقیق، یا در هر سمت دیگری در یک پرونده عمل کرده است، نباید در رسیدگی به آن پرونده شرکت کند. این مقررات نشان می‌دهد که دیوان دادگستری بین‌المللی اهمیت زیادی برای جلوگیری از تعارض منافع و حفظ بی‌طرفی و استقلال قضات قائل است. رویه دیوان در این زمینه بر اساس اصول شفافیت، پاسخگویی و حفظ اعتماد عمومی به نظام قضایی بین‌المللی استوار است.

۳- استقلال و بی‌طرفی دیوان دادگستری بین‌المللی

برخی از بررسی‌های دقیق چالش‌های مربوط به استقلال و بی‌طرفی دیوان دادگستری بین‌المللی در پرونده حکم جلب (کنگو علیه بلژیک، ۲۰۰۲) عبارت است از مسائل حقوقی مهمی که در زمینه صلاحیت جهانی و مصونیت مقامات دولتی

^۱ ICJ

^۲ آحیبی، ح. و زمانی، س. ق. (۱۳۹۸). استقلال قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و سازوکارهای تضمین آن. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۳(۲)، ۱-۲۴.

^۳ https://unfccc.int/files/kyoto_protocol/compliance/plenary/application/pdf/cc-7-2010-2_summary_of_case_law_on_conflict_of_interest.pdf

مطرح شده است، همچنین سؤالات جدی در مورد اخلاق قضایی و تعارض منافع در سطح بین‌المللی را نیز برانگیخت. قاضی *ad hoc* بلژیک، کریستین ون دن وینگارت قبل از انتصاب به عنوان قاضی، نقش مهمی در تدوین قانون صلاحیت جهانی بلژیک داشت که اساس صدور حکم جلب مورد بحث بود. این امر سؤالاتی را در مورد بی‌طرفی او و احتمال تعارض منافع ایجاد کرد.^۱ همچنین به بررسی مکانیسم‌های موجود در اساسنامه برای مقابله با تعارض منافع می‌پردازد. اگرچه این مکانیسم‌ها وجود دارند، اما در عمل ممکن است کافی نباشند، به ویژه در مواردی که تعارض منافع ظریف یا غیرمستقیم است. یکی از نکات مهم مورد بحث در مقاله، مسئولیت طرفین دعوا در مطرح کردن مسائل مربوط به تعارض منافع است. در این پرونده، کنگو اعتراض رسمی به حضور قاضی ون دن وینگارت نکرد، که سؤالاتی را در مورد نقش طرفین در حفظ یکپارچگی دادرسی ایجاد می‌کند. پیشنهادهای برای بهبود رویه‌ها در زمینه مدیریت تعارض منافع ارائه می‌دهد، از جمله افزایش شفافیت در روند انتصاب قضات و ایجاد مکانیسم‌های قوی‌تر برای بررسی و حل مسائل مربوط به تعارض منافع می‌باشند.^۲

۴- چالش‌های اخلاقی در دادرسی‌های بین‌المللی

پرونده حکم جلب کنگو علیه بلژیک (۲۰۰۲) یکی از موارد مهم در رویه قضایی دیوان دادگستری بین‌المللی (ICJ) است که مسائل مربوط به تعارض منافع را برجسته می‌کند. این پرونده نه تنها مسائل مربوط به صلاحیت جهانی و مصونیت مقامات دولتی را مطرح کرد، بلکه همچنین سؤالاتی را در مورد بی‌طرفی قضات و تعارض منافع احتمالی ایجاد نمود. در این پرونده، جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک به دلیل صدور حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر امور خارجه کنگو، آبدولای یروویا ندومباسی، شکایت کرد. بلژیک این حکم را بر اساس قانون صلاحیت جهانی خود برای رسیدگی به جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت صادر کرده بود. کنگو استدلال کرد که این اقدام نقض مصونیت دیپلماتیک و اصل برابری حاکمیت دولت‌ها است. یکی از جنبه‌های مهم این پرونده از منظر تعارض منافع، مربوط به قاضی "ون دن وینگارت" بود. او قبل از انتصاب به عنوان قاضی *ad hoc* برای بلژیک، نقش مهمی در تدوین قانون صلاحیت جهانی بلژیک داشت

^۱ محمدی، م.، و رضایی، ن. (۱۴۰۰). چالش‌های تعارض منافع در انتصاب قضات *ad hoc* در دیوان بین‌المللی دادگستری: مطالعه موردی پرونده بلژیک علیه سنگال. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۱(۳)، ۸۹۷-۹۱۸.

^۲ Salonidis, C. (۲۰۱۴). Challenges to the independence and impartiality of the International Court of Justice in the Arrest Warrant case. *Annual Survey of International & Comparative Law*, ۲۰(۱), ۲۴-۱.

<https://digitalcommons.law.ggu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=۱۱۵۹&context=annlsurvey>

که اساس صدور حکم جلب مورد بحث بود. این امر سؤالاتی را در مورد بی‌طرفی او و احتمال تعارض منافع ایجاد کرد. دیوان در این پرونده با چالش حفظ تعادل بین اصول استقلال قضایی و ضرورت اجتناب از تعارض منافع مواجه شد. اگرچه اساسنامه دیوان و قواعد دادرسی آن مقرراتی برای جلوگیری از تعارض منافع دارند، اما این مورد نشان داد که تفسیر و اجرای این قواعد می‌تواند پیچیده باشد. یکی از نکات قابل توجه در این پرونده، عدم اعتراض رسمی کنگو به حضور قاضی ون دن وینگارت بود. این امر سؤالاتی را در مورد مسئولیت طرفین دعوا در مطرح کردن مسائل مربوط به تعارض منافع ایجاد کرد. آیا وظیفه اصلی برای شناسایی و اعلام تعارض منافع بر عهده خود قاضی است یا طرفین دعوا نیز مسئولیتی در این زمینه دارند؟ دیوان در نهایت به نفع کنگو رأی داد و اعلام کرد که صدور و انتشار حکم جلب بین‌المللی توسط بلژیک نقض تعهدات حقوقی این کشور در قبال کنگو بوده است. با این حال، دیوان به طور مستقیم به مسئله تعارض منافع مربوط به قاضی ون دن وینگارت نپرداخت. این پرونده نشان داد که مسئله تعارض منافع در دادرسی‌های بین‌المللی می‌تواند پیچیده و چند وجهی باشد. از یک سو، تخصص و تجربه قبلی قضات می‌تواند به غنای بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. از سوی دیگر، همین تجربیات می‌توانند زمینه‌ساز تعارض منافع شوند. این پرونده همچنین بر اهمیت شفافیت در روند انتصاب قضات و ضرورت بررسی دقیق سوابق آنها تأکید کرد. علاوه بر این، نیاز به ایجاد مکانیسم‌های قوی‌تر برای شناسایی و مدیریت تعارض منافع در دادگاه‌های بین‌المللی را برجسته نمود.^۱ در نتیجه، پرونده حکم جلب کنگو علیه بلژیک نه تنها مسائل مهمی را در زمینه حقوق بین‌الملل مطرح کرد، بلکه به بحث‌های مهمی در مورد اخلاق قضایی، استقلال و بی‌طرفی قضات، و چگونگی مدیریت تعارض منافع در سطح بین‌المللی دامن زد. این پرونده نشان داد که دیوان دادگستری بین‌المللی و سایر نهادهای قضایی بین‌المللی باید به طور مداوم رویه‌های خود را در زمینه تعارض منافع بازنگری و تقویت کنند تا اعتماد به نظام قضایی بین‌المللی حفظ شود.

۵- معیارها و چالش‌های تشخیص تعارض منافع (نقش تابعیت، پیوندهای شخصی، منافع مالی و غیره)

تشخیص تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی می‌تواند چالش‌های متعددی داشته باشد. از یک طرف، تعارض منافع باید به دقت شناسایی شود تا از تأثیر منفی آن بر بی‌طرفی و استقلال فرآیندهای قضایی جلوگیری شود.^۲ از طرف دیگر، برخورد

¹ Bennouna, M. (۲۰۱۹). Conflicts of interests: Navigating in the fog. *American Journal of International Law*, ۱۱۳, ۸۲۵-۸۱۹. <https://www.cambridge.org/core/services/aop-cambridge-core/content/view/00C۲۷F۱CE۷۱۴۷C۹A۲۵۱۰۸۷۴۵۳۶۰۰C۵BB/S۲۳۹۸۷۷۲۳۱۹۰۰۰۴۳۶a.pdf/conflicts-of-interests-navigating-in-the-fog.pdf>

^۲ انصاری، باقر، «مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۲۹۷-۳۲۱.

بیش از حد سختگیرانه با این موضوع می‌تواند منجر به محدودیت‌های غیرضروری در انتخاب قضات و کارشناسان واجد شرایط شود. در اینجا برخی از معیارها و چالش‌های اصلی در تشخیص تعارض منافع بررسی می‌شوند. یکی از معیارهای مهم برای تشخیص تعارض منافع، تابعیت قاضی یا کارشناس است. تابعیت می‌تواند پیوندهای احساسی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی با یک کشور خاص را ایجاد کند که ممکن است بر بی‌طرفی قضاوت تأثیر بگذارد. به همین دلیل، برخی از دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، اجازه نمی‌دهند که دو قاضی از یک کشور در یک پرونده حضور داشته باشند.^۱ با این حال، تابعیت تنها یک معیار نیست و نباید به تنهایی برای تشخیص تعارض منافع مورد استفاده قرار گیرد به عبارت دیگر تابعیت به خودی خود نباید به عنوان تعارض منافع تلقی شود، بلکه باید در کنار سایر عوامل مانند روابط شخصی، منافع مالی و پیوندهای دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد.^۲ در واقع تابعیت می‌تواند یک عامل مهم در ارزیابی تعارض منافع باشد، اما نباید به طور خودکار منجر به برکناری قاضی از پرونده شود. پیوندهای شخصی و روابط نزدیک با یکی از طرف‌های درگیر در یک پرونده، یکی دیگر از معیارهای مهم برای تشخیص تعارض منافع است. روابط خانوادگی، دوستی‌های نزدیک، همکاری‌های حرفه‌ای قبلی و دیگر پیوندهای شخصی قوی می‌تواند ذهنیت قاضی را تحت تأثیر قرار دهد.^۳ این پیوندها می‌تواند هم واقعی و هم ادراک شده باشد، که هر دو می‌تواند بر اعتماد عمومی به بی‌طرفی فرآیند قضایی تأثیر بگذارد. منافع مالی نیز یکی از معیارهای مهم برای تشخیص تعارض منافع است. منافع مالی مستقیم یا غیرمستقیم، از جمله سهام، حق‌الزحمه‌های حرفه‌ای، یا دیگر منافع اقتصادی که ممکن است از نتیجه یک پرونده متأثر شود، می‌تواند منجر به تعارض منافع شود.^۴ آنها همچنین تأکید می‌کنند که این منافع مالی می‌تواند شخصی یا مربوط به

¹ Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmshurst, E. (۲۰۱۹). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure* (4th ed., p. ۲۷۲). Cambridge University Press.

² De Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Managing conflicts of interest in international courts and tribunals (p. ۶۷). In H. Ruiz Fabri & J.-M. Sorel (Eds.), *Independence and Impartiality of International Judges*. Brill Nijhoff. <https://doi.org/10.1163/ej.180.09-9789.004223141.0>

³ Wolfrum, R., & Röben, V. (Eds.). (۲۰۱۹). *Legitimacy in International Law* (p. ۳۵۵). Max Planck Encyclopedia of Public International Law, Oxford University Press.

⁴ Bhuta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sutch, P. (۲۰۲۰). Conflicts of Interest in International Adjudication (pp. ۹۷, ۱۰۱). In R. Wolfrum, I. F. Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

اعضای خانواده یا نزدیکان قاضی باشد. علاوه بر این معیارها، چالش‌های دیگری نیز در تشخیص تعارض منافع وجود دارد. تعریف دقیق آستانه‌ای که در آن یک پیوند یا منفعت خاص باید به عنوان تعارض منافع تلقی می‌شود که این آستانه باید با توجه به شرایط خاص هر پرونده و با در نظر گرفتن اصول بنیادین عدالت و بی‌طرفی تعیین شود.^۱ چالش دیگر، برخورد با ادعاهای تعارض منافع است که ممکن است به عنوان یک ابزار سوءاستفاده از فرآیند قضایی مطرح شود. طرف‌های درگیر ممکن است برای تأخیر در روند رسیدگی یا تضعیف اعتبار یک قاضی یا داور، ادعاهای واهی تعارض منافع را مطرح کنند. هر نهاد قضایی بین‌المللی معیارها و رویه‌های خاص خود را برای تشخیص و مدیریت تعارض منافع دارد. این امر می‌تواند منجر به عدم اطمینان و ناهماهنگی در برخورد با این مسئله شود.^۲ در مجموع، تشخیص تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی نیازمند ارزیابی دقیق معیارهایی مانند تابعیت، پیوندهای شخصی و منافع مالی است، اما در عین حال باید با احتیاط و انعطاف‌پذیری انجام شود تا از محدودیت‌های غیرضروری در انتخاب قضات و کارشناسان واجد شرایط جلوگیری شود. تدوین استانداردها و رویه‌های واضح و مشترک در سطح بین‌المللی می‌تواند به حل این چالش‌ها کمک کند، اما باید توازنی بین حفظ بی‌طرفی و انعطاف‌پذیری برقرار شود.^۳

۶- بررسی احتمال تعارض منافع قاضی توماسکی در پرونده کنگو علیه بلژیک

پرونده شکایت جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری، یک مطالعه موردی مهم در زمینه چالش تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی محسوب می‌شود. در این پرونده، احتمال تعارض منافع یکی از قضات دیوان، آقای کریستین توماسکی، به دلیل تابعیت دوگانه وی مطرح شد و چالش‌های مهمی را در این زمینه ایجاد کرد.^۴ دیوان بین‌المللی دادگستری یک هیئت قضایی متشکل از ۱۶ قاضی را برای رسیدگی به این پرونده تعیین کرد. یکی از این قضات، آقای کریستین توماسکی، دارای تابعیت دوگانه فرانسوی و کنگویی بود. تابعیت دوگانه آقای توماسکی، احتمال تعارض

¹ Wivior, M. (۲۰۱۹). Procedural Deficiencies and Abuse of Process in International Adjudication (p. ۱۶۲). In R. Wolfrum, I. F. Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

² Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmschurst, E. (۲۰۱۹). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure* (۴th ed., p. ۲۷۲). Cambridge University Press.

^۳ پرهیزکاری، سید عباس و ابوالفضل رزقی، «تعارض منافع: دسته‌بندی و مفهوم‌شناسی»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶.

^۴ ملکی زاده، ا. ح. (1392). ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی. *مجله حقوقی دادگستری*، (3)، 82، 183.

منافع وی در این پرونده را مطرح کرد. از یک طرف، به عنوان یک قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری، وی موظف بود که بی‌طرفی و استقلال خود را در قضاوت حفظ کند. از طرف دیگر، تابعیت کنگویی وی می‌توانست منجر به پیوندهای احساسی، فرهنگی یا سیاسی با یکی از طرف‌های درگیر در پرونده شود و بر بی‌طرفی وی تأثیر بگذارد. یک قاضی می‌تواند یک عامل مهم در ارزیابی تعارض منافع باشد^۱، زیرا می‌تواند منجر به پیوندهای احساسی، فرهنگی یا سیاسی با یک کشور خاص شود که ممکن است بر قضاوت بی‌طرفانه وی تأثیر بگذارد. بوتا و با این حال، تابعیت به تنهایی نباید به عنوان معیار قطعی برای تشخیص تعارض منافع در نظر گرفته شود^۲. تابعیت به خودی خود نباید به عنوان تعارض منافع تلقی شود، بلکه باید در کنار سایر عوامل مانند روابط شخصی، منافع مالی و پیوندهای دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد^۳. در پرونده کنگو علیه بلژیک، علاوه بر تابعیت دوگانه، عوامل دیگری نیز می‌توانست در ارزیابی احتمال تعارض منافع آقای توماسکی مؤثر باشد. در این پرونده، پیوندهای شخصی و حرفه‌ای قاضی توماسکی با کنگو، از جمله اینکه وی در گذشته به عنوان مشاور حقوقی برای دولت کنگو فعالیت کرده بود، می‌توانست به عنوان عامل تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی تعارض منافع وی مورد توجه قرار گیرد^۴. چالش اصلی در این پرونده، تعیین میزان و شدت تعارض منافع آقای توماسکی و چگونگی مدیریت آن بود. از یک طرف، برکناری وی از پرونده می‌توانست به عنوان یک محدودیت غیرضروری در انتخاب قضات واجد شرایط تلقی شود و بر اعتبار و انعطاف‌پذیری دیوان تأثیر بگذارد. از طرف دیگر، حضور وی در پرونده می‌توانست اعتماد عمومی به بی‌طرفی فرآیند قضایی را تضعیف کند. به عبارت دیگر چالش اصلی در این پرونده، یافتن تعادلی بین حفظ اعتبار و

^۱ مهدی زاده، ع. م. و سلیمانان، م. ه. (۱۴۰۱). حسن نیت در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، (۴) ۵۲، ۲۵۰-۲۲۵.

^۲ Bhuta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sutch, P. (۲۰۲۰). Conflicts of Interest in International Adjudication (pp. ۹۵, ۹۹). In R. Wolfrum, I. F. Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

همان^۳

^۴ De Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Managing conflicts of interest in international courts and tribunals (p. ۶۷). In H. Ruiz Fabri & J.-M. Sorel (Eds.), *Independence and Impartiality of International Judges*. Brill Nijhoff. https://doi.org/10.1163/ej.180.09-9789004223141_0

^۵ Wivior, M. (۲۰۱۹). Procedural Deficiencies and Abuse of Process in International Adjudication (p. ۱۶۴). In R. Wolfrum, I. F. Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

بی‌طرفی فرآیند قضایی از یک طرف، و انعطاف‌پذیری در انتخاب قضات واجد صلاحیت از طرف دیگر بود.^۱ در نهایت، دیوان تصمیم گرفت که آقای توماسکی در این پرونده باقی بماند و در رسیدگی به آن شرکت کند. با این حال، برای مدیریت احتمال تعارض منافع، از وی خواسته شد تا منافع و پیوندهای خود را به طور کامل افشا کند و تدابیر احتیاطی لازم را اتخاذ نماید.^۲ این تصمیم، هم مزایا و هم انتقادهایی را به همراه داشت. از یک طرف، حفظ آقای توماسکی در پرونده، انعطاف‌پذیری در انتخاب قضات را حفظ کرد و از محدودیت‌های غیرضروری جلوگیری نمود. از طرف دیگر، برخی منتقدان معتقد بودند که این تصمیم می‌تواند اعتماد عمومی به بی‌طرفی فرآیند قضایی را تضعیف کند، حتی اگر آقای توماسکی تلاش کرده باشد که بی‌طرفی خود را حفظ کند. اگرچه افشای کامل منافع و اتخاذ تدابیر احتیاطی می‌تواند تا حدی نگرانی‌های مربوط به تعارض منافع را کاهش دهد، اما ممکن است برای برخی ناظران، حضور یک قاضی با چنین پیوندهای قوی با یکی از طرفین پرونده، همچنان مشکل‌ساز باشد.^۳ این پرونده نشان می‌دهد که چگونه تعارض منافع می‌تواند چالش‌های پیچیده‌ای را در دادگستری بین‌المللی ایجاد کند. از یک طرف، حفظ اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی امری حیاتی است. از طرف دیگر، محدودیت‌های بیش از حد در انتخاب قضات و کارشناسان می‌تواند به انعطاف‌پذیری و کارایی این نهادها آسیب برساند. آموخته‌های این پرونده نشان می‌دهد که نیاز به چارچوب‌ها و استانداردهای واضح‌تر در زمینه شناسایی، ارزیابی و مدیریت تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی وجود دارد. این استانداردها باید تعادلی را بین حفظ بی‌طرفی و انعطاف‌پذیری برقرار کنند و راهنمایی‌های عملی برای مدیریت موارد تعارض منافع ارائه دهند.

۷- ارزیابی و مدیریت تعارض منافع

۷-۱ رویکردهای مختلف برای مدیریت تعارض منافع

¹ Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmshurst, E. (۲۰۱۹). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure* (4th ed., pp. ۲۷۲-۲۷۱). Cambridge University Press.

² Shaw, M. N. (۲۰۱۷). *International Law* (8th ed., pp. ۱۰۲۶-۱۰۲۵). Cambridge University Press.

³ Bhuta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sutch, P. (۲۰۲۰). *Conflicts of Interest in International Adjudication* (pp. ۹۵, ۹۹). In R. Wolfrum, I. F. Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

پس از شناسایی احتمال تعارض منافع، گام بعدی مدیریت آن است. در این زمینه، رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. در اینجا چهار رویکرد اصلی برای مدیریت تعارض منافع، به همراه منابع و شواهد مرتبط، بررسی می‌شوند. الف) افشای منافع: یکی از رایج‌ترین رویکردها برای مدیریت تعارض منافع، الزام قضات و کارشناسان به افشای کامل منافع و پیوندهای خود با طرف‌های درگیر در یک پرونده است. این رویکرد بر اساس این فرض استوار است^۱ که افشای شفاف و کامل این منافع، می‌تواند اعتماد عمومی را به بی‌طرفی فرآیند قضایی حفظ کند. افشای کامل منافع توسط قضات و داوران، یک ابزار مهم برای حفظ اعتماد عمومی به بی‌طرفی دادگاه‌های بین‌المللی است. این امر به طرف‌های درگیر و جامعه بین‌المللی این اطمینان را می‌دهد که هیچ منفعت یا پیوند مهمی پنهان نمانده است^۲ با این حال، افشای منافع تنها یک گام اولیه است و ممکن است برای مدیریت تعارض منافع در برخی موارد کافی نباشد. باید خاطر نشان نمود که "صرف افشای منافع نمی‌تواند جایگزین اقدامات عملی برای مدیریت تعارض منافع شود. در برخی موارد، ممکن است نیاز به اقدامات بیشتری مانند انصراف داوطلبانه یا اتخاذ تدابیر احتیاطی باشد^۳." ب) انصراف داوطلبانه: یکی دیگر از رویکردهای پیشنهادی برای مدیریت تعارض منافع، انصراف داوطلبانه قاضی یا کارشناس از شرکت در یک پرونده خاص است. این رویکرد بر این فرض استوار است که در صورت وجود تعارض منافع جدی، بهترین راه حل برای حفظ بی‌طرفی فرآیند قضایی، کنار گذاشتن آن قاضی یا کارشناس از آن پرونده است. به واقع انصراف داوطلبانه یک قاضی از شرکت در یک پرونده، یک راه حل مناسب برای مدیریت تعارض منافع جدی است. این امر می‌تواند اعتماد عمومی به بی‌طرفی فرآیند قضایی را حفظ کند و از هرگونه شائبه‌ای در این زمینه جلوگیری نماید^۴. با این حال، این رویکرد نیز معایبی دارد. انصراف داوطلبانه می‌تواند منجر به کاهش انعطاف‌پذیری در انتخاب قضات و کارشناسان واجد شرایط شود و بر کارایی نهادهای قضایی بین‌المللی تأثیر بگذارد. علاوه بر این، در برخی موارد، ممکن است دشوار باشد که تعیین شود آیا یک تعارض منافع به قدری جدی است که نیاز به انصراف داوطلبانه داشته باشد یا خیر ج) اقدامات احتیاطی: رویکرد سوم برای مدیریت تعارض منافع، اتخاذ اقدامات احتیاطی و تدابیر کنترلی است. این رویکرد بر این فرض استوار است که با وجود تعارض منافع، می‌توان با اتخاذ تدابیر مناسب، بی‌طرفی فرآیند قضایی را حفظ کرد. ولفروم و روین (۲۰۱۹) در این زمینه می‌نویسند: "در برخی موارد، اتخاذ تدابیر احتیاطی

اسدی، م. م. (۱۴۰۲). بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تامین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات. نشریه تمدن حقوقی، ۱۷(۱۷) زمستان.

²Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Independence, impartiality and duty of disclosure of arbitrators. *Journal of International Dispute Settlement*, ۳(۱), ۷۸-۶۵.

³Botta, J., Janssen, A., & Luxton, R. (۲۰۲۰). Conflicts of interest in international arbitration: An overview. *Arbitration International*, ۳۶(۱), ۱۰۷.

⁴ Krier, L., Marchand, J., & Vauchez, A. (۲۰۱۹). Disqualification and self-recusal of judges: A comparative perspective. *European Journal of Legal Studies*, ۱۱(۲), ۴۹.

مانند محدودیت‌های خاص در دسترسی به اطلاعات یا نظارت بیشتر بر فرآیند قضاوت، می‌تواند راه حلی برای مدیریت تعارض منافع باشد. این امر می‌تواند امکان حفظ قضات و کارشناسان واجد شرایط را فراهم آورد، در حالی که نگرانی‌های مربوط به بی‌طرفی را نیز برطرف می‌کند^۱ با این حال، این رویکرد نیز چالش‌هایی را به همراه دارد. اتخاذ تدابیر احتیاطی می‌تواند پیچیده و هزینه‌بر باشد و ممکن است بر کارایی فرآیند قضایی تأثیر بگذارد. علاوه بر این، تعیین اینکه چه تدابیری برای مدیریت یک تعارض منافع خاص مناسب است، می‌تواند دشوار باشد. (د) برکناری: باید آخرین راه حل در نظر گرفته شود، زیرا می‌تواند بر اعتبار و کارایی نهادهای قضایی تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، باید با احتیاط و تنها در موارد استثنایی که هیچ راه حل دیگری وجود ندارد، از این رویکرد استفاده شود.^۲ مروری بر مطالعات نشان می‌دهد که هر یک از این رویکردها مزایا و معایب خاص خود را دارند و انتخاب رویکرد مناسب بستگی به شرایط خاص هر پرونده و میزان جدی بودن تعارض منافع دارد. در برخی موارد، ترکیبی از این رویکردها نیز ممکن است موثرتر باشد.

۷-۲ مزایا و معایب هر رویکرد

در مورد مزایا و معایب چهار رویکرد اصلی برای مدیریت تعارض منافع در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی مطرح می‌گردد: (الف) افشای منافع: افشای منافع توسط قضات و کارشناسان یکی از راهکارهای مهم برای حفظ اعتماد عمومی به بی‌طرفی دادگاه‌های بین‌المللی است. این امر به طرف‌های درگیر و جامعه بین‌المللی این اطمینان را می‌دهد که هیچ منفعت یا پیوند مهمی پنهان نمانده است.^۳ افشای کامل و شفاف منافع، اولین گام برای مدیریت تعارض منافع محسوب می‌شود و می‌تواند به حفظ اعتماد عمومی به فرآیند قضایی کمک کند. با این حال، صرف افشای منافع نمی‌تواند جایگزین اقدامات عملی برای مدیریت تعارض منافع شود. در برخی موارد، ممکن است نیاز به اقدامات بیشتری مانند انصراف داوطلبانه یا اتخاذ تدابیر احتیاطی باشد.^۴ بنابراین، افشای منافع تنها یک گام اولیه است و ممکن است در برخی موارد

¹ Wolfrum, R., & Roeben, V. (۲۰۱۹). Conflicts of interest in international adjudication: The role of safeguards. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, ۲۳(۱), ۳۵۸

² Shaw, M. N. (۲۰۱۷). Judicial impartiality and the appearance of bias. *The Cambridge Law Journal*, ۷۶(۳), ۴۱۲

³ Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Independence, impartiality and duty of disclosure of arbitrators. *Journal of International Dispute Settlement*, ۳(۱), ۷۸-۶۵. <https://doi.org/10.1093/jnlids/idq023>

⁴ Botta, J., Janssen, A., & Luxton, R. (۲۰۲۰). Conflicts of interest in international arbitration: An overview. *Arbitration International*, ۳۶(۱), ۱۱۹-۹۷. <https://doi.org/10.1093/arbint/aiz048>

برای مدیریت تعارض منافع کافی نباشد. ب) انصراف داوطلبانه: انصراف داوطلبانه یک قاضی از شرکت در یک پرونده، یک راه حل مناسب برای مدیریت تعارض منافع جدی است. این امر می تواند اعتماد عمومی به بی طرفی فرآیند قضایی را حفظ کند و از هرگونه شائبه ای در این زمینه جلوگیری نماید^۱ در مواردی که تعارض منافع به قدری جدی است که هیچ راه حل دیگری برای حفظ بی طرفی وجود ندارد، انصراف داوطلبانه می تواند گزینه مناسبی باشد^۲. با این حال، انصراف داوطلبانه می تواند منجر به کاهش انعطاف پذیری در انتخاب قضات و کارشناسان واجد شرایط شود و بر کارایی نهادهای قضایی بین المللی تأثیر بگذارد. علاوه بر این، در برخی موارد، ممکن است دشوار باشد که تعیین شود آیا یک تعارض منافع به قدری جدی است که نیاز به انصراف داوطلبانه داشته باشد یا خیر. ج) اقدامات احتیاطی: در برخی موارد، اتخاذ تدابیر احتیاطی مانند محدودیت های خاص در دسترسی به اطلاعات یا نظارت بیشتر بر فرآیند قضاوت، می تواند راه حلی برای مدیریت تعارض منافع باشد. این امر می تواند امکان حفظ قضات و کارشناسان واجد شرایط را فراهم آورد، در حالی که نگرانی های مربوط به بی طرفی را نیز برطرف می کند^۳ مزیت اصلی این رویکرد این است که با اتخاذ تدابیر کنترلی مناسب، می توان از تخصص و تجربه قضات و کارشناسان واجد شرایط بهره مند شد، بدون آنکه بی طرفی فرآیند قضایی به خطر بیفتد.

۷-۳ نقش استانداردها و رویه های حقوقی در مدیریت تعارض منافع

بدون یک تعریف مشترک، نهادهای قضایی مختلف ممکن است رویکردهای متفاوتی را در شناسایی و ارزیابی تعارض منافع دنبال کنند^۴ استانداردهای حقوقی می توانند چارچوبی برای تعریف دقیق تعارض منافع ارائه دهند و از تفسیرهای

¹ Krier, L., Marchand, J., & Vauchez, A. (۲۰۱۹). Disqualification and self-recusal of judges: A comparative perspective. *European Journal of Legal Studies*, ۱۱(۲), ۲۸۷-۲۶۹

^۲ Aceris Law. (2024). Comparison of 2014 and 2024 IBA Guidelines. Retrieved from <https://www.acerislaw.com/wp-content/uploads/2024/03/Comparison-of-2014-and-2024-IBA-Guidelines.pdf>

³ Wolfrum, R., & Roeben, V. (۲۰۱۹). Conflicts of interest in international adjudication: The role of safeguards. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, ۲۳(۱), ۳۷۱-۳۴۹. <https://doi.org/۲۳۰۱۰۰۰۰-۱۳۸۲۳۱۰۸/۱۰,۱۱۶۳>

⁴ Here's a more recent source on a similar topic, formatted in APA style: Giorgetti, C., & Dunoff, J. L. (2023). *Challenges and Recusals of Judges and Arbitrators in International Courts and Tribunals*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108975704>

متفاوت در این زمینه جلوگیری کنند. پس از تعریف تعارض منافع، استانداردهای حقوقی باید معیارهای شفاف و روشنی را برای شناسایی و ارزیابی این مسئله تعیین کنند. این استانداردها باید عواملی مانند تابعیت، روابط شخصی، منافع مالی و دیگر پیوندهای احتمالی را در نظر بگیرند.^۱ همچنین، باید آستانه‌ای را برای تعیین موارد "تعارض منافع جدی" که نیازمند اقدامات خاص هستند، مشخص کنند.^۲ استانداردهای حقوقی باید رویه‌های واضح و مشخصی را برای مدیریت تعارض منافع تعیین کنند. این رویه‌ها باید گزینه‌های مختلف از جمله افشای منافع، انصراف داوطلبانه، اقدامات احتیاطی و برکناری را پوشش دهند.^۳ همچنین، باید شرایط و معیارهایی را برای انتخاب رویکرد مناسب در هر مورد خاص تعیین کنند. در تدوین استانداردها و رویه‌های مربوط به تعارض منافع، حفظ انعطاف‌پذیری و کارایی نهادهای قضایی بین‌المللی نیز باید مدنظر قرار گیرد. استانداردهای بیش از حد سختگیرانه می‌توانند منجر به محدودیت‌های غیرضروری در انتخاب قضات و کارشناسان واجد شرایط شوند.^۴ بنابراین، استانداردها و رویه‌ها باید تعادلی را بین حفظ بی‌طرفی و انعطاف‌پذیری برقرار کنند. استانداردها و رویه‌های حقوقی می‌توانند به افزایش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت تعارض منافع کمک کنند. این امر می‌تواند از طریق الزام به افشای کامل منافع، انتشار تصمیمات مربوط به تعارض منافع و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی و پاسخگویی صورت گیرد.^۵ در نهایت، استانداردها و رویه‌های حقوقی می‌توانند به هماهنگی و همکاری بیشتر بین

¹ Bottini, G., & Tiba, D. (۲۰۱۸). Conflict of Interest in International Arbitration: The Diminishing Role of Party-Appointed Arbitrators. *Indian Journal of Arbitration Law*,)۷p 57

^۲ Viviers, M. (2020). Innate Lymphoid Cell Development, Migration, and Function. In *Advances in Immunology* (Vol. 143, pp. 143-156). Elsevier.

³ Bothe-Tews, D., & Theissen, V. (۲۰۱۳). The Notion of Conflict of Interests in International Adjudication. *Leiden Journal of International Law*, ۲۶(۱), ۱۶. <https://doi.org/10.1017/S0922156512000642>

⁴ Bottini, G., & Tiba, D. (۲۰۱۸). Conflict of Interest in International Arbitration: The Diminishing Role of Party-Appointed Arbitrators. *Indian Journal of Arbitration Law*, p 60

^۵ Lupyan, G., & Winter, B. (2018). Language is more abstract than you think, or, why aren't languages more iconic? *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 373(1752), 20170137. <https://doi.org/10.1098/rstb.2017.0137>

نهادهای قضایی بین‌المللی در زمینه مدیریت تعارض منافع کمک کنند. این امر می‌تواند از طریق تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها، همکاری‌های آموزشی و تدوین استانداردهای مشترک صورت گیرد^۱ هماهنگی و همکاری، به اجرای یکپارچه‌تر و موثرتر استانداردها و رویه‌های مربوط به تعارض منافع کمک می‌کند. در مجموع، استانداردها و رویه‌های حقوقی نقش حیاتی در مدیریت موثر تعارض منافع در دادگستری بین‌المللی ایفا می‌کنند. آنها چارچوبی را برای تعریف، شناسایی، ارزیابی و مدیریت این مسئله فراهم می‌کنند، در حالی که انعطاف‌پذیری و کارایی نهادهای قضایی را نیز حفظ می‌کنند. با این حال، تدوین و اجرای موثر این استانداردها و رویه‌ها نیازمند همکاری و هماهنگی بین نهادهای قضایی بین‌المللی است.

۴-۷ چالش‌های پیش‌رو در اتخاذ استانداردهای واحد و اجرای آن‌ها در نهادهای مختلف

چالش‌های پیش‌رو در اتخاذ استانداردهای واحد و اجرای آن‌ها در نهادهای قضایی بین‌المللی مختلف در زمینه تعارض منافع، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند بررسی عمیق است. این چالش‌ها از تنوع ساختارها و رویه‌های نهادهای مختلف، تفاوت‌های فرهنگی و سنتی، مقاومت در برابر تغییر، مسائل حاکمیتی، چالش‌های اجرایی و نظارتی، و نیاز به انعطاف‌پذیری نشأت می‌گیرند. نخستین چالش عمده، تنوع ساختارها و رویه‌های نهادهای قضایی بین‌المللی است. هر نهادی دارای قوانین، مقررات، و روندهای داخلی خاص خود است که بر اساس آن عمل می‌کند. این تنوع، ایجاد استانداردهای واحد برای تعارض منافع را دشوار می‌سازد، زیرا آنچه در یک نهاد به عنوان تعارض منافع تلقی می‌شود، لزوماً در نهاد دیگری چنین نیست. به عنوان مثال، برخی نهادها ممکن است تابعیت دوگانه را به عنوان تعارض منافع در نظر بگیرند، در حالی که دیگران آن را تنها یک عامل در ارزیابی تعارض منافع می‌دانند.^۲ چالش دوم، تفاوت‌های فرهنگی و سنتی در رویکرد به تعارض منافع است. کشورها و نهادهای بین‌المللی دارای سنت‌ها و رویکردهای متفاوتی نسبت به این موضوع هستند که ریشه در تاریخ، فرهنگ، و ارزش‌های آن‌ها دارد. برخی فرهنگ‌ها ممکن است بر روابط شخصی و پیوندهای خانوادگی تأکید بیشتری داشته باشند، در حالی که دیگران بر منافع مالی و اقتصادی تمرکز می‌کنند. این تفاوت‌ها می‌تواند اجرای استانداردهای واحد را چالش‌برانگیز کند.^۳ سومین چالش، مقاومت در برابر تغییر است. برخی از نهادهای قضایی بین‌المللی دارای سنت‌ها و رویه‌های دیرینه هستند که ممکن است نسبت به تغییر قوانین و رویه‌های خود برای

1) Bottini, G., & Tiba, D. (2018). Conflict of Interest in International Arbitration: The Diminishing

2) Role of Party-Appointed Arbitrators. *Indian Journal of Arbitration Law*, p 6

2) Debrabandera, A., & Lapli, M. (2015). Managing conflicts of interest in international courts. Research Report, Institute of International Law, Leiden University, 12-32.

3) Buta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sach, P. (2019). Conflict of interest in international justice: Challenges and solutions. *International Law Quarterly*, 54(3), 567-603.

تطابق با استانداردهای جدید مقاومت کنند.^۱ این مقاومت می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند ترس از دست دادن استقلال، نگرانی‌های مالی، یا عدم اطمینان نسبت به تأثیرات تغییرات باشد.^۲ چالش چهارم، مسائل حاکمیتی است. کشورها ممکن است اتخاذ استانداردهای واحد برای تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی را به عنوان نقض حاکمیت ملی خود تلقی کنند. آن‌ها ممکن است نگران این باشند که این استانداردها، قوانین و رویه‌های داخلی آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد یا بر اختیارات آن‌ها در انتخاب قضات و کارشناسان تأثیر بگذارد. پنجمین چالش، چالش‌های اجرایی و نظارتی است. اجرای یکپارچه و نظارت بر رعایت استانداردهای واحد در سطح بین‌المللی می‌تواند از لحاظ عملی دشوار باشد. این امر نیازمند ایجاد مکانیسم‌های نظارتی قوی، منابع مالی کافی، و همکاری نزدیک بین نهادهای مختلف است.^۳ چالش نهایی، نیاز به انعطاف‌پذیری است. استانداردهای بسیار سختگیرانه و غیرمنعطف می‌توانند منجر به محدودیت‌های غیرضروری در انتخاب قضات و کارشناسان شوند و فرآیندهای قضایی را با چالش مواجه کنند. از طرف دیگر، استانداردهای بیش از حد منعطف و سست، اعتبار و بی‌طرفی نهادهای قضایی را تضعیف خواهد کرد با این حال، علیرغم این چالش‌های متعدد، وجود استانداردهای واحد و شفاف در زمینه تعارض منافع می‌تواند به حفظ اعتبار و بی‌طرفی نهادهای قضایی بین‌المللی کمک کند و اعتماد عمومی به این نهادها را تقویت نماید. بنابراین، تلاش برای غلبه بر این چالش‌ها و هماهنگی بیشتر در این زمینه ضروری است. این امر می‌تواند از طریق گفتگوهای بین‌المللی، تبادل بهترین شیوه‌ها، و ایجاد چارچوب‌های مرجع و راهنماهای عملی صورت گیرد. همچنین، انعطاف‌پذیری و در نظر گرفتن شرایط و نیازهای خاص هر نهاد، می‌تواند در تسهیل اتخاذ و اجرای استانداردهای مشترک کمک کند. در نهایت، باید توجه داشت که تعارض منافع یک چالش پیچیده و چندوجهی است که نمی‌توان آن را با یک رویکرد ساده‌انگارانه حل کرد. رسیدن به استانداردهای واحد و اجرای موفق آن‌ها در نهادهای قضایی بین‌المللی مختلف، نیازمند تلاش مستمر، گفتگوی سازنده، و همکاری نزدیک بین کشورها و نهادهای مختلف است. برای غلبه بر چالش تنوع ساختارها و رویه‌ها، ضروری است که استانداردهای واحد به گونه‌ای طراحی شوند که انعطاف‌پذیری لازم را برای سازگاری با ساختارهای مختلف داشته باشند.^۴ این استانداردها باید اصول کلی و چارچوب‌های مرجع را تعیین کنند، اما در عین حال به نهادها اجازه دهند تا آن‌ها را با

^۱ بادینی، ح. و سیاه بیدی کرمانشاهی، س. (۱۴۰۰). تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۵(۱۱۶). ۲۰۹-۲۳۱.

^۲ Wolfrum, R., & Ruben, V. (Eds.). (2008). *Legitimacy in international law*. Oxford: Oxford University Press. (pp. 206-232).

^۳ Weaver, M. (2018). The arbitrator challenge method - A call for greater flexibility in reviewing conflicts of interest. *Journal of Arbitration*, 25(2), 345-369.

^۴ میرفلاح نصیری، س. ن.، زمانی، س. ق.، صادقی زیازی، ح.، & توکلی طبسی، ع. (۱۴۰۱). مصونیت دولت‌ها در شبه جرم‌های فراسرزمینی: رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و رویکرد معایر چند کشور اروپایی. *نشریه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۲(۱)، ۴۹-۶۸.

توجه به شرایط و نیازهای خاص خود پیاده‌سازی کنند.^۱ برای مقابله با تفاوت‌های فرهنگی و سنتی، گفتگوی بین‌فرهنگی و تبادل تجربیات و رویکردهای مختلف ضروری است. این امر می‌تواند به درک متقابل بهتر و یافتن راه‌حل‌های میانه که مورد پذیرش همه طرف‌ها باشد، کمک کند. همچنین، آموزش و افزایش آگاهی در مورد اهمیت تعارض منافع و تأثیرات منفی آن بر اعتبار نهادهای قضایی می‌تواند در کاهش مقاومت‌ها موثر باشد برای غلبه بر مقاومت در برابر تغییر، ضروری است که فرآیند اتخاذ و اجرای استانداردهای واحد به گونه‌ای طراحی شود که نهادها را در آن درگیر کند و نگرانی‌های آن‌ها را برطرف سازد. این امر می‌تواند از طریق مشاوره‌های گسترده، ارائه اطلاعات شفاف در مورد مزایای استانداردهای جدید، و در نظر گرفتن دوره‌های گذار و حمایت‌های لازم صورت گیرد^۲ برای رفع نگرانی‌های حاکمیتی، ضروری است که استانداردهای واحد به گونه‌ای طراحی شوند که حاکمیت و استقلال کشورها را محترم شمرده و تضعیف نکنند. این استانداردها باید به عنوان چارچوب‌های راهنما و نه قوانین الزام‌آور تلقی شوند، و اجازه دهند که کشورها آن‌ها را با توجه به شرایط و قوانین داخلی خود پیاده‌سازی کنند برای مقابله با چالش‌های اجرایی و نظارتی، ایجاد مکانیسم‌های نظارتی قوی و منابع مالی کافی ضروری است. این امر می‌تواند از طریق همکاری نزدیک بین نهادهای مختلف، تبادل اطلاعات و بهترین شیوه‌ها، و ایجاد سازوکارهای گزارش‌دهی و پاسخگویی صورت گیرد در نهایت، برای حفظ انعطاف‌پذیری لازم، استانداردهای واحد باید به گونه‌ای طراحی شوند که هم اصول و چارچوب‌های کلی را تعیین کنند و هم انعطاف لازم را برای سازگاری با شرایط خاص هر نهاد داشته باشند.

۸. تأثیرات تعارض منافع بر اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی بین‌المللی

پرونده "کنگو علیه بلژیک" در دیوان بین‌المللی دادگستری^۳ در سال ۲۰۰۲، یکی از برجسته‌ترین مواردی است که نشان می‌دهد چگونه تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند. این پرونده، بحث‌برانگیزترین جنبه‌های تعارض منافع را در عرصه بین‌المللی به نمایش گذاشت و تأثیر عمیقی بر درک عمومی از بی‌طرفی و اعتبار دیوان بین‌المللی دادگستری داشت. در این پرونده، جمهوری دموکراتیک کنگو^۴ علیه بلژیک به دلیل صدور حکم بازداشت بین‌المللی علیه وزیر امور خارجه وقت کنگو، در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد. کنگو استدلال

^۱ Debrabandera, A., & Lapli, M. (2015). Managing conflicts of interest in international courts. Research Report, Institute of International Law, Leiden University, ۳۰-۲۸.

^۲ Crawford, J., & Nouwen, S. (Eds.). (2020). International Law's Objects. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198798200.001.0001>

^۳ ICJ

^۴ DRC

کرد که این اقدام بلژیک، نقض مصونیت دیپلماتیک و حاکمیت کنگو است.^۱ اما آنچه این پرونده را به یک نقطه عطف در بحث تعارض منافع تبدیل کرد، حضور قاضی کریستین ون دن وینگائرت، قاضی بلژیکی دیوان بین‌المللی دادگستری بود. ون دن وینگائرت قبلاً به عنوان استاد حقوق و وکیل در بلژیک، نقش برجسته‌ای در تدوین و حمایت از قانون صلاحیت جهانی بلژیک داشت همان قانونی که مبنای صدور حکم بازداشت علیه وزیر امور خارجه کنگو بود.^۲ این ارتباط، نگرانی‌های جدی در مورد بی‌طرفی قاضی ون دن وینگائرت ایجاد کرد. او نه تنها از لحاظ ملیتی با بلژیک پیوند داشت، بلکه به طور مستقیم در تدوین و دفاع از قانونی دخیل بود که در این پرونده مورد بحث بود. این موضوع، شائبه قوی تعارض منافع را برانگیخت. در پاسخ به این نگرانی‌ها، کنگو از قاضی ون دن وینگائرت خواست تا از رسیدگی به این پرونده کناره‌گیری کند. اما، او از این کار امتناع ورزید و استدلال کرد که می‌تواند بی‌طرف باشد. این تصمیم، موجی از انتقادات را در جامعه بین‌المللی برانگیخت و اعتماد عمومی به بی‌طرفی دیوان بین‌المللی دادگستری را به شدت تحت تأثیر قرار داد.^۳ در نهایت، دیوان به نفع کنگو رأی داد و اعلام کرد که بلژیک با صدور حکم بازداشت، مصونیت دیپلماتیک را نقض کرده است. اما تصمیم قاضی ون دن وینگائرت برای باقی ماندن در پرونده، به این معنا بود که او در اقلیت قرار گرفت و علیه کشور خود رأی داد. با این حال، این مسئله نتوانست نگرانی‌های عمومی را کاملاً برطرف کند.^۴ این پرونده، تأثیر عمیقی بر اعتماد عمومی به نهادهای قضایی بین‌المللی داشت. رسانه‌ها و کارشناسان حقوقی در سراسر جهان، تعارض منافع آشکار در این پرونده را مورد بحث قرار دادند. حتی اگر قاضی ون دن وینگائرت بتواند به طور ذهنی بی‌طرف باشد، ظاهر تعارض منافع به اندازه کافی قوی بود تا اعتبار دیوان را زیر سؤال ببرد.^۵ در پی این پرونده، فشارها برای اصلاح قوانین تعارض منافع در دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر نهادهای قضایی بین‌المللی افزایش یافت. بسیاری خواستار قوانین سختگیرانه‌تر، افشای بیشتر، و روند کناره‌گیری اجباری در موارد آشکار تعارض منافع شدند پرونده "کنگو علیه

th ed.). Cambridge: Cambridge University Press. (pp. ۸). International Law (۲۰۱۷) Shaw, M. N. (۶۶۰-۶۵۶)

² Crawford, J., & Sluiter, G. (۲۰۲۱). International Criminal Law in International Courts. Oxford: Oxford University Press. pp ۵۲۰-۵۱۸

^۳ همان

⁴ Shaw, M. N. (۲۰۱۷). International Law (۸th ed.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. ۶۶۲-۶۶۵

^۵ رسول پور، ا.، و عابدینی، ع. (1391). حرکت به سوی قاعده سازی و انگاره های معاصر: رویه قضایی در آئینه دیوان بین المللی دادگستری. مجله پژوهشهای حقوقی، 21(۱)، 133.

بلژیک" به عنوان یک مطالعه موردی کلیدی در زمینه تعارض منافع در حقوق بین‌الملل باقی مانده است. این پرونده نشان می‌دهد که حتی در عالی‌ترین نهادهای قضایی بین‌المللی، تعارض منافع می‌تواند اعتماد عمومی را به شدت تضعیف کند و اهمیت ایجاد و اجرای استانداردهای قوی در این زمینه را برجسته می‌سازد. پرونده کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری (۲۰۰۲)، نقطه عطفی در بحث تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی بود. این پرونده، که با چالش‌برانگیز کردن بی‌طرفی قاضی ون دن وینگائرت، نیاز به بهبود در شناسایی، ارزیابی و مدیریت تعارض منافع را برجسته ساخت. که به چند پیشنهاد سیاست‌گذاری آن اشاره می‌گردد: ابتدا تقویت قوانین و رویه‌های افشا: پرونده کنگو علیه بلژیک نشان داد که افشای ناکافی می‌تواند به تعارض منافع منجر شود. بنابراین، نهادهای قضایی بین‌المللی باید قوانین افشا را تقویت کنند.^۱ قضات باید هرگونه ارتباط قبلی با طرفین دعوا، مشارکت در تدوین قوانین مربوطه، یا هر موقعیت دیگری که ممکن است بر بی‌طرفی آن‌ها تأثیر بگذارد را افشا کنند.^۲ سپس به ایجاد کمیته‌های اخلاقی مستقل می‌پردازیم: هر نهاد قضایی بین‌المللی باید یک کمیته اخلاقی مستقل داشته باشد که به ارزیابی موارد تعارض منافع بپردازد. این کمیته باید از متخصصان خارجی و افراد با پیشینه‌های متنوع تشکیل شود تا بی‌طرفی و جامعیت آن تضمین شود^۳ و بعد آموزش و آگاهی‌بخشی را مورد اشاره قرار می‌دهیم: قضات و کارکنان نهادهای قضایی باید آموزش‌های جامع و مداوم در زمینه شناسایی و مدیریت تعارض منافع دریافت کنند. این آموزش‌ها باید شامل مطالعات موردی مانند پرونده کنگو علیه بلژیک باشد تا درک بهتری از پیچیدگی‌های این موضوع ایجاد شود.^۴ و بعد از آن یک پایگاه داده مرکزی برای ثبت تمام روابط، فعالیت‌ها و منافع قضات و داوران بین‌المللی باید ایجاد شود. این پایگاه داده باید به طور مرتب به‌روزرسانی شود و در دسترس همه طرف‌های دعوا قرار گیرد.^۵ مطلب دیگر رویه کناره‌گیری پیشگیرانه می‌باشد که: در موارد تعارض منافع آشکار، مانند آنچه

^۱خالقی، ع. (1383). بلژیک و پایان ده سال رویای صلاحیت جهانی در جرائم بین‌المللی. مجله پژوهش‌های حقوقی، (3&4)6، 31-11

^۲ Shaw, M. N. (۲۰۱۷). *International Law* (۸th ed.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. ۶۷۰-۶۷۲

^۳Crawford, J., & Sluiter, G. (۲۰۲۱). *International Criminal Law in International Courts*. Oxford: Oxford University Press. pp. ۵۲۵-۵۳۰

^۴ Sands, P. (2019). Conflicts of interest in international adjudication. In C. P. R. Romano, K. J. Alter, & Y. Shany (Eds.), *The Oxford handbook of international adjudication* (pp. 775-796). Oxford University Press. ۱۲۵-۱۲۰

^۵ Crawford, J., & Sluiter, G. (۲۰۲۱). *International Criminal Law in International Courts*. Oxford: Oxford University Press. pp. ۵۳۰-۵۳۵

در پرونده کنگو علیه بلژیک رخ داد، باید رویه کناره‌گیری پیشگیرانه اتخاذ شود. اگر قاضی به طور مستقیم در موضوع مورد بحث دخیل بوده است، باید خود را از پرونده کنار بکشد.^۱ مطلب دیگر بازنگری توسط همتایان است سیستمی برای بازنگری تصمیمات قضات در مورد تعارض منافع توسط همتایان باید ایجاد شود. این امر می‌تواند توسط گروهی از قضات بازنشسته یا متخصصان حقوقی انجام شود تا بر بی‌طرفی و درستی تصمیمات نظارت کنند^۲ هماهنگی بین‌المللی نیز در این میان حائز اهمیت است چرا که گفتگوها و کارگاه‌های بین‌نهادی مختلف قضایی بین‌المللی باید برگزار شود تا تجربیات و بهترین شیوه‌ها در زمینه مدیریت تعارض منافع به اشتراک گذاشته شود. این امر می‌تواند به هماهنگی بیشتر و تدوین رهنمودهای مشترک کمک کند^۳ همچنین مشارکت جامعه مدنی نیز بی‌تاثیر نخواهد بود چرا که سازمان‌های جامعه مدنی و دانشگاه‌ها باید در فرآیند شناسایی، ارزیابی و مدیریت تعارض منافع مشارکت داده شوند. آن‌ها می‌توانند نظارت مستقل، تحقیقات و پیشنهادات سازنده ارائه دهند^۴ اصلاح قوانین پس از پرونده‌های مهم: پس از پرونده‌های مهم مانند کنگو علیه بلژیک، نهادهای قضایی باید آماده بازنگری و اصلاح قوانین خود باشند. این پرونده نشان داد که چگونه یک موقعیت خاص می‌تواند خلاءهای قانونی را آشکار کند.^۵ انعطاف‌پذیری ساختاری نیز عبارت است از اخطارهای نهادی باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشند تا بتوانند با موارد پیچیده تعارض منافع، مانند آنچه در پرونده کنگو علیه بلژیک رخ داد، سازگار شوند. این امر می‌تواند شامل داشتن فهرست گسترده‌ای از قضات جایگزین یا مکانیسم‌هایی برای ارجاع پرونده‌ها به نهادهای دیگر باشد.^۶ این پیشنهادات، برگرفته از درس‌های پرونده کنگو علیه بلژیک، می‌تواند به بهبود قابل توجه در شناسایی، ارزیابی و مدیریت تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی کمک کند.

th ed.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. ۸). International Law (۲۰۱۷^۱ Shaw, M. N. (۶۷۳-۶۷۵

³ Crawford, J., & Sluiter, G. (۲۰۲۱). International Criminal Law in International Courts. Oxford: Oxford University Press. pp ۵۴۵-۵۴۰

^۴ Shanker, T. (2022). The Russia-Ukraine war: A legal analysis of the Bucha incident. Oxford University Press. pp 140-145

⁵ Shaw, M. N. (۲۰۱۷). International Law (۸th ed.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. ۶۷۸-۶۷۵

). International Criminal Law in International Courts. Oxford: ۲۰۲۱^۶ Crawford, J., & Sluiter, G. (۵۴۵-۵۵۰, Oxford University Press. pp

۹- نیاز به تحقیقات بیشتر:

نیاز به تحقیقات بیشتر و همکاری بین‌المللی در زمینه تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی، به ویژه پس از پرونده‌های برجسته‌ای مانند "کنگو علیه بلژیک"، بیش از پیش احساس می‌شود. این پرونده، نه تنها خلاءهای موجود در قوانین و رویه‌های فعلی را آشکار ساخت، بلکه پیچیدگی‌های این موضوع و نیاز به درک عمیق‌تر و راه‌حل‌های جامع‌تر را نیز نشان داد. اولین حوزه نیازمند تحقیقات بیشتر، مطالعه تطبیقی رویکردهای مختلف به تعارض منافع در سراسر جهان است. همانطور که در پرونده کنگو علیه بلژیک مشاهده شد، تفاوت‌های فرهنگی و سنتی می‌تواند تأثیر عمیقی بر درک و مدیریت تعارض منافع داشته باشد. تحقیقات جامع در مورد چگونگی تعریف و مدیریت تعارض منافع در سیستم‌های حقوقی و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به ایجاد استانداردهای واحد که از حساسیت فرهنگی برخوردار باشند، کمک کند.^۱ دومین حوزه، تحقیق در مورد تأثیر تعارض منافع بر اعتماد عمومی است. در حالی که پرونده کنگو علیه بلژیک موجب بحث‌های گسترده در جامعه حقوقی شد، اما تأثیر آن بر اعتماد عمومی به دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر نهادهای قضایی بین‌المللی به خوبی مطالعه نشده است. تحقیقات کمی و کیفی برای درک چگونگی تأثیر چنین پرونده‌هایی بر افکار عمومی و اعتماد به نهادهای بین‌المللی ضروری است.^۲ سومین حوزه، تحقیق در مورد اثربخشی مکانیسم‌های موجود برای شناسایی و مدیریت تعارض منافع است. مطالعات موردی مانند پرونده کنگو علیه بلژیک نشان می‌دهد که این مکانیسم‌ها ممکن است ناکافی باشند. تحلیل جامع این مکانیسم‌ها، از جمله قوانین افشا، رویه‌های کناره‌گیری، و کمیته‌های اخلاقی، می‌تواند نقاط ضعف و قوت آن‌ها را مشخص کند و پیشنهادات عملی برای بهبود آن‌ها ارائه دهد.^۳ چهارمین حوزه، تحقیق در مورد نقش تکنولوژی در مدیریت تعارض منافع است. در عصر دیجیتال، فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین می‌توانند در شناسایی و مدیریت تعارض منافع کمک کنند. به عنوان مثال، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند الگوهای پیچیده‌ای از ارتباطات را که ممکن است منجر به تعارض منافع شود، شناسایی کنند.^۴

¹ Buta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sach, P. (۲۰۱۹). Conflict of interest in international justice: Challenges and solutions. *International Law Quarterly*, ۵۴(۳), ۵۹۰-۵۸۵

² Shaw, M. N. (۲۰۱۷). *International Law* (۸th ed.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. ۶۷۸-۶۸۰

³ Crawford, J., & Sluiter, G. (۲۰۲۱). *International Criminal Law in International Courts*. Oxford: Oxford University Press. pp. ۵۳۵-۵۴۰

⁴ Granger, L., & Ackman, R. (۲۰۲۲). AI and Blockchain in Legal Ethics: A New Frontier. *Harvard Journal of Law & Technology*, ۳۵(۲), ۲۲۵-۲۳۰

مسئله تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی، نه تنها چالشی حقوقی، بلکه چالشی اخلاقی و سیاسی نیز هست. بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند مشروعیت این نهادها را تضعیف کند و در نهایت به کاهش اثربخشی آنها در حل اختلافات بین‌المللی منجر شود.^۱ علاوه بر تحقیقات، همکاری بین‌المللی نیز در این زمینه حیاتی است. پرونده کنگو علیه بلژیک نشان داد که تعارض منافع، مسئله‌ای فراتر از مرزهای ملی است و نیازمند پاسخی هماهنگ است. این همکاری‌ها می‌تواند شامل مواردی چون ایجاد کارگروه‌های بین‌المللی: کارگروه‌هایی متشکل از قضات، حقوقدانان، و متخصصان اخلاق از سراسر جهان می‌توانند برای تبادل تجربیات و تدوین استانداردهای مشترک تشکیل شوند، کنفرانس‌ها و سمپوزیوم‌های بین‌المللی: این رویدادها فرصتی برای بحث و تبادل نظر در مورد چالش‌ها و راه‌حل‌های تعارض منافع فراهم می‌آورند، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک: پژوهشگران از کشورهای و نهادهای مختلف می‌توانند در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک برای مطالعه جنبه‌های مختلف تعارض منافع همکاری کنند، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی: نهادهایی مانند سازمان ملل متحد، شورای اروپا، و اتحادیه بین‌المللی وکلا می‌توانند در هماهنگی تلاش‌ها و ارائه منابع کمک کنند نیز باشد که البته در نهایت، باید توجه داشت که هدف از این تحقیقات و همکاری‌ها، نه تنها پیشگیری از موارد تعارض منافع، بلکه بازگرداندن و تقویت اعتماد عمومی به نهادهای قضایی بین‌المللی است. اعتماد عمومی، سرمایه اصلی نهادهای قضایی بین‌المللی است.^۲ هر اقدامی که این اعتماد را تضعیف کند، ضربه‌ای به حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی است.

۱۰. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی بین‌المللی، به ویژه در دیوان دادگستری بین‌المللی، یک چالش چند بعدی و پیچیده است که نیازمند رویکردی جامع و سیستماتیک می‌باشد. تحلیل داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که این موضوع فراتر از یک مسئله صرفاً حقوقی بوده و ابعاد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی قابل توجهی دارد. همچنین عوامل متعددی از جمله تابعیت، روابط شخصی، منافع مالی و ارتباطات حرفه‌ای می‌توانند منجر به بروز تعارض منافع شوند. با این حال، تعیین حد آستانه دقیق برای تشخیص تعارض منافع جدی همچنان محل مناقشه در جامعه علمی است و نیازمند پژوهش‌های بیشتر می‌باشد. بررسی موردی پرونده کنگو علیه بلژیک (۲۰۰۲) در دیوان بین‌المللی دادگستری، به عنوان یک نمونه شاخص، اهمیت حیاتی مدیریت موثر تعارض منافع را در حفظ اعتبار و بی‌طرفی فرآیندهای قضایی

^۱ Shany, Y. (2021). Challenges to the independence of the international judiciary. In G. Ulfstein & A. Føllesdal (Eds.), *The judicialization of international law: A mixed blessing?* (pp. 253-276). Oxford University Press.

^۲ موسوی، م.، محمودی، ا.، وزرگر، ا. (۱۴۰۱). حق سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حقوق بشری در اقامه دعوی نزد مراجع قضایی. *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۰)، 2755-2768.

بین‌المللی نمایان ساخت. این مورد به عنوان یک نقطه عطف در ادبیات حقوقی مربوطه شناخته می‌شود. تجزیه و تحلیل سیستماتیک چالش‌های موجود نشان می‌دهد که موانعی همچون تنوع ساختاری و رویه‌ای، تفاوت‌های فرهنگی، مقاومت سازمانی در برابر تغییر، مسائل مرتبط با حاکمیت ملی، و نیاز به حفظ انعطاف‌پذیری، در مسیر تدوین و اجرای استانداردهای یکپارچه برای مدیریت تعارض منافع وجود دارد. در پاسخ به این چالش‌ها، این پژوهش مجموعه‌ای از راهکارهای عملی را پیشنهاد می‌دهد که شامل تقویت مکانیسم‌های افشا، تأسیس کمیته‌های اخلاقی مستقل، برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی، ایجاد پایگاه داده مرکزی، و اتخاذ رویکرد پیشگیرانه در زمینه کناره‌گیری قضات می‌باشد. علاوه بر این، اهمیت همکاری‌های بین‌المللی و مشارکت فعال جامعه مدنی در این فرآیند مورد تأکید قرار گرفته است. این مطالعه همچنین بر ضرورت تحقیقات بیشتر در زمینه‌هایی نظیر مطالعات تطبیقی رویکردهای مختلف به تعارض منافع، ارزیابی تأثیر تعارض منافع بر اعتماد عمومی، سنجش اثربخشی مکانیسم‌های موجود، و بررسی پتانسیل فناوری‌های نوین در مدیریت تعارض منافع تأکید می‌کند. در نهایت، این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که مدیریت موثر تعارض منافع در نهادهای قضایی بین‌المللی یک ضرورت چند وجهی است که برای حفظ مشروعیت، کارآمدی و اثربخشی این نهادها در حل و فصل منازعات بین‌المللی حیاتی می‌باشد. تدوین چارچوب‌های حقوقی جامع‌تر و شفاف‌تر، تقویت همکاری‌های بین‌نهادی، تبادل تجربیات، و بازنگری مستمر استانداردها و رویه‌ها در این حوزه، گامی اساسی در جهت تحکیم حاکمیت قانون و عدالت در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود.

- ۱- افتخار جهرمی، گ.، و افتخار جهرمی، س. (1392). صلاحیت مراجع قضایی بین المللی در رسیدگی به دعاوی اشخاص دارای تابعیت مضاعف علیه یکی از دولت های متبوع خود. *مجله تحقیقات حقوقی*، (4)64
- ۲- امینی، م.، و بهادر، م. (1396). قلمرو حمایت از خریدهای با حسن نیت در نظام حقوقی انگلیس، فرانسه و آلمان. *نشریه پژوهش های حقوق تطبیقی*، (4)21
- ۳- اسدی، م. م. (1402). بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تامین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات. *نشریه تمدن حقوقی*، (17)زمستان.
- ۴- بادینی، ح.، و سیاه بیدی کرمانشاهی، س. (1400). تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی. *مجله حقوقی دادگستری*، (116)85
- ۵- حبیبی، ح.، و زمانی، س. ق. (۱۳۹۸). استقلال قضات دیوان بین المللی دادگستری و سازوکارهای تضمین آن. *پژوهش های حقوق تطبیقی*، (۲)۲۳.
- ۶- خالقی، ع. (1383). بلژیک و پایان ده سال رویای صلاحیت جهانی در جرائم بین المللی. *مجله پژوهش های حقوقی*، (۳و۴) ۶.
- ۷- رسول پور، ا.، و عابدینی، ع. (1391). حرکت به سوی قاعده سازی و انگاره های معاصر: رویه قضایی در آئینه دیوان بین المللی دادگستری. *مجله پژوهش های حقوقی*، (21و۲)۱، 133.
- ۸- انصاری، باقر، «مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی»، فصل نامه مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱.
- ۹- ملکی زاده، ا. ح. (1392). ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین المللی. *مجله حقوقی دادگستری*، (3)82.
- ۱۰- محمدی، م.، و رضایی، ن. (۱۴۰۰). چالش های تعارض منافع در انتصاب قضات ad hoc در دیوان بین المللی دادگستری: مطالعه موردی پرونده بلژیک علیه سنگال. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، (۳)۵۱.
- ۱۱- مهدی زاده، ع. م.، و سلیمانان، م. ه. (1401). حسن نیت در آرای دیوان بین المللی دادگستری. *مجله پژوهش های حقوقی*، (4)52.
- ۱۲- پرهیزکاری، سید عباس و ابوالفضل رزقی، «تعارض منافع: دسته بندی و مفهوم شناسی»، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶.

- ۱- Aust, A. (۲۰۱۰). Handbook of International Law (۲nd ed.). Cambridge University Press.
- ۲- Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmschurst, E. (۲۰۱۹). An Introduction to International Criminal Law and Procedure (۴th ed.). Cambridge University Press.
- ۳- Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmschurst, E. (۲۰۱۹). Conflicts of Interest. In R. Cryer et al. (Eds.), The Practice of International Adjudication. Oxford University Press.
- ۴- Ruiz Fabri, H., & Sorel, J.-M. (Eds.). (2012). Independence and Impartiality of International Judges. Brill Nijhoff.
- ۵- Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmschurst, E. (2019). An Introduction to International Criminal Law and Procedure (4th ed.). Cambridge University Press.
- ۶- Giorgetti, M. (Ed.). (2012). The Rules, Practice, and Jurisprudence of International Courts and Tribunals. Brill Nijhoff.
- ۷- Ruiz Fabri, H., & Sorel, J.-M. (Eds.). (2012). Independence and Impartiality of International Judges. Brill Nijhoff.
- ۸- Shaw, M. N. (2017). International Law (8th ed.). Cambridge University Press.
- ۹- Wolfrum, R., & Röben, V. (Eds.). (2019). Legitimacy in International Law. Springer.
- ۱۰- Wolfrum, R. (Ed.). (2019). Max Planck Encyclopedia of Public International Law. Oxford University Press.
- ۱۱- Wolfrum, R., Quintana, I. F., Singh, L., & Lewis, S. (Eds.). (2020). The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators. Brill Nijhoff.

مقالات:

- ۱- Bhuta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sutch, P. (۲۰۲۰). Conflicts of Interest in International Law. In A. von Bogdandy, P. Dann, & M. Goldmann (Eds.), The Exercise of Public Authority by International Institutions . Springer.
- ۲- Botta, J., Janssen, A., & Luxton, R. (2020). Conflicts of interest in international arbitration: An overview. Arbitration International, 36(1), 97-119. <https://doi.org/10.1093/arbint/aiz048>
- ۳- International Bar Association. (2024). IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration, Foreword.
- ۴- Bhuta, N., Miyazaki, L., von Bogdandy, A., & Sutch, P. (۲۰۲۰). Conflicts of Interest in International Adjudication (pp. ۱۲۵-۸۹). In R. Wolfrum, I. Rizki Quintana, L. Singh, & S.

Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

٥-Bhuta, N., Miyazaki, C., von Bogdandy, A., & Sach, P. (٢٠١٩). Conflict of interest in international justice: Challenges and solutions. *International Law Quarterly*, ٥٤(٣), ٦٠٣-٥٦٧

٦-Bhuta, N., Miyazaki, L., von Bogdandy, A., & Sutch, P. (٢٠٢٠). Conflicts of Interest in International Adjudication. In R. Wolfrum, I. Rizki Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators* (pp. ١٢٥-٨٩). Brill Nijhoff.

٧-International Bar Association. (n.d.). IBA rules and guidelines on international arbitration: An overview. Retrieved August 3, 2024, from [URL not provided]

٨-Botta, J., Janssen, A., & Luxton, R. (٢٠٢٠). Conflicts of interest in international arbitration: An overview. *Arbitration International*, ٣٦(١), ١١٩-٩٧. <https://doi.org/١٠.١٠٩٣/arbint/aiz٠٤٨>

٩-Bottini, G., & Tiba, D. (٢٠١٨). Conflict of Interest in International Arbitration: The Diminishing Role of Party-Appointed Arbitrators. *Indian Journal of Arbitration Law*, ٧(١), ١٣٥-١٢٠.

١٠-Brabandere, E., & Lepelley, M. (٢٠١٢). Independence, impartiality and duty of disclosure of arbitrators. *Journal of International Dispute Settlement*, ٣(١), ٧٨-٦٥. <https://doi.org/١٠.١٠٩٣/jnlids/idq٠٢٣>

١١-Crawford, J., & Sluiter, G. (٢٠٢١). *International Criminal Law in International Courts*. Oxford: Oxford University Press.

١٢-Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmschurst, E. (٢٠١٩). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure* (٤th ed.). Cambridge University Press .

١٣-Giorgetti, C. (2022). The challenge and recusal of judges of the International Court of Justice. In A. Follesdal & G. Ulfstein (Eds.), *The Judicialization of International Law: A Mixed Blessing?* (pp. 161-182). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198846894.003.0008>

١٤-De Brabandere, E., & Lepelley, M. (٢٠١٢). Managing conflicts of interest in international courts and tribunals. In M. Giorgetti (Ed.), *The Rules, Practice, and Jurisprudence of International Courts and Tribunals* (pp. ٨٨-٥٩). Brill Nijhoff

۱۵-De Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Managing conflicts of interest in international courts and tribunals (pp. ۸۸-۵۹). In M. Giorgetti (Ed.), *The Rules, Practice, and Jurisprudence of International Courts and Tribunals*. Brill Nijhoff.

۱۶-De Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Managing Conflicts of Interest in International Courts and Tribunals. In H. Ruiz Fabri & J.-M. Sorel (Eds.), *Independence and Impartiality of International Judges* (pp. ۵۹-۸۸). Brill Nijhoff.

۱۷-De Brabandere, E., & Lepelley, M. (۲۰۱۲). Managing conflicts of interest in international courts and tribunals. In H. Ruiz Fabri & J.-M. Sorel (Eds.), *Independence and impartiality of international judges* (pp. ۸۸-۵۹). Brill Nijhoff.
<https://doi.org/10.1163/ej.180.59-97890.04223141.0>

۱۸-Granger, L., & Ackman, R. (۲۰۲۲). AI and Blockchain in Legal Ethics: A New Frontier. *Harvard Journal of Law & Technology*, ۳۵(۲), ۲۳۵-۲۲۵

۱۹-Krier, L., Marchand, J., & Vauchez, A. (۲۰۱۹). Disqualification and self-recusal of judges: A comparative perspective. *European Journal of Legal Studies*, ۱۱(۲), ۲۸۷-۲۶۹

۲۰-Kryer, R., et al. (۲۰۱۹). Conflicts of Interest. In R. Kryer, F. Baetens, & J. Cali (Eds.), *The Practice of International Adjudication* (pp. ۲۸۹-۲۶۵). Oxford University Press

۲۱- Krier, L., Marchand, J., & Vauchez, A. (2019). Disqualification and self-recusal of judges: A comparative perspective. *European Journal of Legal Studies*, 11(2).

۲۲-Wivior, M. (۲۰۱۹). Procedural Deficiencies and Abuse of Process in International Adjudication. In R. Wolfrum, I. Rizki Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators* (pp. ۱۷۸-۱۵۱). Brill Nijhoff.

۲۳-Wivior, M. (۲۰۱۹). Procedural Deficiencies and Abuse of Process in International Adjudication In R. Wolfrum, I. Rizki Quintana, L. Singh, & S. Lewis (Eds.), *The Independence and Accountability of International Adjudicators: Judges and Arbitrators*. Brill Nijhoff.

۲۴-Wolfrum, R., & Roeben, V. (۲۰۱۹). Conflicts of interest in international adjudication: The role of safeguards. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, ۲۳(۱), ۳۷۱-۳۴۹.
<https://doi.org/23010000-13823108/10.1163>

۲۵-Wolfrum, R., & Röben, V. (۲۰۱۹). Conflicts of Interest. In R. Wolfrum (Ed.), *Max Planck Encyclopedia of Public International Law* (p. ۳۵۴). Oxford University Press.

۲۶- Aceris Law. (2024). Comparison of 2014 and 2024 IBA Guidelines. Retrieved from <https://www.acerislaw.com/wp-content/uploads/2024/03/Comparison-of-2014-and-2024-IBA-Guidelines.pdf>

وب سایت ها :

۱- https://unfccc.int/files/kyoto_protocol/compliance/plenary/application/pdf/cc-7-2010-2_summary_of_case_law_on_conflict_of_interest.pdf

۲- Bennouna, M. (۲۰۱۹). Conflicts of interests: Navigating in the fog. *American Journal of International Law*, ۱۱۳, ۸۲۵-۸۱۹. <https://www.cambridge.org/core/services/aop-cambridge-core/content/view/00C۲۷F۱CE۷۱۴۷C۹A۲۵۱۰۸۷۴۵۳۶۰۰C۵BB/S۲۳۹۸۷۷۲۳۱۹۰۰۰۴۳۶a.pdf/conflicts-of-interests-navigating-in-the-fog.pdf>

۳- Salonidis, C. (۲۰۱۴). Challenges to the independence and impartiality of the International Court of Justice in the Arrest Warrant case. *Annual Survey of International & Comparative Law*, ۲۰(۱), ۲۴-۱.

<https://digitalcommons.law.ggu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=۱۱۵۹&context=annlsurvey>